



## چهارچوب مدیریت مشارکتی برای حفاظت فیزیکی از مراتع

علی محبی\*

### مقدمه

مدیریت مراتع در کشور و ارائه یک برنامه راهبردی منسجم، طی سال‌های مختلف، مطرح بوده است (عصاره و سیداخلاقی، ۱۳۸۸). نگاه اجمالی به راهکارها و اولویت‌های راهبردی تحقیقات مرتع، طی

چند دهه گذشته، تداعی کننده آن است که رویکرد اصلی درمورد تحقیقات مرتع، «رویکرد بهره‌برداری» از اکوسیستم‌های مرتعی بوده است. در این ارتباط، کارکرد اصلی این اکوسیستم‌ها، «تولید علوفه» در نظر گرفته شده است (معتدی و همکاران، ۱۴۰۰). در این خصوص، جلسات هم‌اندیشی خوبی در مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور مبنی بر رواج تفکر سیستمی (که در آن منابع نه

تنها با تولیدات مستقیم، بلکه به واسطه خدمات غیر بازاری‌شان) ارزش‌گذاری می‌شوند، برگزار شده است. در این رویکرد، سعی بر این است تا تأثیر ابرچالش‌های یادشده، بر اکوسیستم‌های مرتعی، جنگلی و بیابانی، بررسی و راهبرد مدیریتی مرتبط با هر یک از آنها، ارائه شود. نتایج حاصل از پژوهش‌های کاربردی انجام‌شده پیرامون ظرفیت‌سنجی و میزان پایداری هر کدام از اکوسیستم‌ها، بر این موضوع تأکید دارد که با توجه به وضعیت موجود، راهبرد مدیریتی برای بیشتر اکوسیستم‌ها، «راهبرد حفاظتی» است. «راهبرد حفاظتی» جنبه‌های مختلفی را شامل می‌گردد که از جمله آنها می‌توان حفاظت در برابر آتش‌سوزی، تغییر کاربری، پروژه‌های عمرانی و معادن، مدیریت چرا، حفاظت مستقیم از عرصه‌ها، واگذاری‌ها و... را نام برد. هر کدام از موارد یادشده نیز نیازمند آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های خاص خود هستند.

آنچه مسلم است، تخریب ناشی از فعالیت‌های انسانی، بیش‌ازپیش دارای اهمیت است. در این رابطه، سازمان ملل در سال ۱۹۸۲، منشوری با عنوان «منشور جهانی طبیعت» (World Charter

در حال حاضر، از تغییر اقلیم، به‌هم‌خوردگی سیستم طبیعی هیدرولوژی حوزه‌ها، حاکمیت قلمروی بیابانی، تغییر کاربری اراضی و تبدیل آنها به دیم‌زارهای کم‌بازده و رهاشده و معدن‌کاوی و احداث معادن، به‌عنوان

**تغییر اقلیم، به‌هم‌خوردگی سیستم طبیعی هیدرولوژی حوزه‌ها، حاکمیت قلمروی بیابانی، تغییر کاربری اراضی و تبدیل آنها به دیم‌زارهای کم‌بازده و رهاشده و معدن‌کاوی و احداث معادن، به‌عنوان ابرچالش‌های حاکم بر اکوسیستم‌های طبیعی کشور، یاد می‌شود**

ابرچالش‌های حاکم بر اکوسیستم‌های طبیعی کشور، یاد می‌شود (جلیلی، ۱۳۹۹). در این ارتباط، مؤثرترین راهبرد مدیریتی، اعمال رویکرد اکوسیستمی و حفاظتی در سطح عرصه‌های طبیعی است که در آن بر لزوم رعایت موارد ذیل، تأکید جدی می‌شود:

الف- سازگاری با پدیده تغییر اقلیم و تدوین بسته راهبردی توأم با متعادل‌سازی حبابه بخش‌های مختلف

اقتصادی با توجه به کاهش آب قابل استحصال کشور ناشی از پدیده تغییر اقلیم

ب- پذیرش شرایط اضطراری منابع آبی، در فرایند مدیریت توسعه‌ای و برنامه‌ریزی برای استفاده از منابع آبی، براساس ظرفیت آورد آبی دوره خشک‌سالی ۱۵ ساله و انتقال آب بین حوزه‌ای (به‌عنوان آخرین گزینه) تنها برای آب شرب

ج- بازنگری در قوانین، مقررات و سیاست‌ها برای ایجاد محدودیت جدی در تغییر کاربری اراضی

د- خروج کامل دام از جنگل‌ها و کاهش فشار دام بر مراتع

ه- ممنوعیت زراعت زیراشکوب جنگل

و- احیای دیم‌زارهای کم‌بازده و رهاشده

ز- احراز مالکیت ملی بر عرصه‌های طبیعی کشور

ح- توسعه عرصه‌های حفاظتی، یا قرق کامل حداقل تا ۳۰ درصد سطح رویشگاه‌های طبیعی کشور

ط- تقویت جایگاه حقوقی و رسالت حفاظتی «پیوست محیط‌زیست» پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای

در این رابطه، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص جهت‌دهی به

\*استادیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران. پست الکترونیک: a.mohebi@rifr-ac.ir



**for Nature)** منتشر کرد که نیاز به حفاظت از طبیعت بیشتر در برابر فعالیت‌های انسانی مطرح است. این منشور، اظهار می‌کند، برای محافظت از طبیعت باید در تمام سطوح اجتماعی، از سطوح بین‌المللی تا فردی، اقدام‌های لازم انجام شود (UN, 1982). در ایران، تنها مدل مدیریت این منابع، شیوه مدیریت دولتی است که خود با محدودیت‌های درونی و بیرونی بسیاری مواجه بوده است. از ابتدای دهه چهل شمسی و بعد از ملی شدن مراتع، دولت، عهده‌دار مدیریت مراتع شد. نادیده گرفتن نقش بهره‌برداران و بی‌توجهی به شرایط آنها در برنامه‌ریزی‌ها، مشکلات بسیاری را برای مرتع‌داران و صاحبان عرفی به وجود آورده است. دسترسی بودن مدیریت‌ها، بدون در نظر گرفتن سنت‌ها و عرف‌های محلی، به تدریج مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق آنان را در حفظ عرصه مراتع، به کم‌توجهی، بی‌تفاوتی ناخواسته و حتی رقابت در استفاده از مراتع تبدیل کرد. ظرفیت دولت در مدیریت مراتع به پرسنل اندک، اعتبارات محدود و قوانینی که از چهارچوب لازم برای اجرای صحیح و کارآمد مدیریت مراتع برخوردار نیست، منوط است. شیوه مدیریت کنونی اعمال قانون براساس پروانه‌های چرا، یا اجرای طرح‌های مرتع‌داری است (دفتر امور مراتع، ۱۳۹۵).

مدیریت مرتع براساس پروانه‌های چرا با هدف اعمال مالکیت دولت و حذف پرداخت حق علف‌چرا از سوی دامداران به مالکین قبلی، از سال ۱۳۲۰ شروع و بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، با مصوبه‌ای از هیئت وزیران، دریافت پروانه توسط بهره‌برداران ذی‌حق، الزامی شد. در حال حاضر نیز شناسنامه مرتع، مبنایی برای مدیریت مراتعی است که فاقد طرح مرتع‌داری هستند، ولی مسئله این است که طبق بررسی‌های انجام‌شده و مشاهده‌های کارشناسی، علی‌رغم صدور و تحویل پروانه‌های چرا به مرتع‌داران ذی‌صلاح، وضعیت این اراضی از لحاظ کمی و کیفی بهبود چندانی نداشته است (محبی، ۱۳۹۷) و قوانین به‌درستی اجرا نمی‌شوند. هر چند رفع موانع اجرای دقیق و جدی قوانین تا حدود زیادی می‌تواند فشار وارد بر مراتع را بکاهد، ولی شکل اجرایی آن پروانه‌های چرا و طرح‌های مرتع‌داری، با شرایط حاکم بر مراتع تناسب ندارند (محبی، ۱۳۹۹؛ فیاض، ۱۳۹۵). پروانه چرا، که در آن ضمن فهرست کردن دامداران ذی‌حق، رعایت تقویم ورود و کوچ و تعداد و ترکیب دام الزامی شمرده شده است و رعایت نکردن آن منجر به ابطال حقوق دامداری می‌شود (دفتر امور مراتع، ۱۳۹۹)، در عمل در ایجاد تعادل بین دام و مرتع ناکارآمد بوده است. از دلایل عمده آنها می‌توان علاوه بر قدیمی بودن تاریخ پروانه‌ها، به یکسان نبودن میزان رضایت از عملکرد هیئت ممیزی در مناطق مختلف، پویایی دامداران و دام‌ها و نادیده گرفته شدن پویایی‌های یادشده در پروانه‌ها و ارزیابی‌های غیرعلمی، اقتصادی نبودن آمار دام قیدشده در پروانه‌ها (به دلیل افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی)، ناسازگاری تقویم کوچ درج‌شده با شرایط اکولوژیکی مناطق مختلف و مهم‌تر از همه، نبود نظارت جدی بر اجرای قوانین مرتبط اشاره کرد. نتیجه رعایت نکردن مفاد پروانه‌ها، تخریب روزافزون مراتع و افزایش هزینه دامداری بوده است (فیاض، ۱۳۹۹ الف؛ فیاض، ۱۳۹۹ ب).

طرح‌های مرتع‌داری نیز که ابتدا انتظار می‌رفت با اجرای آنها، شاهد بهبود وضعیت مراتع یا لااقل توقف روند تخریب باشیم، در حد انتظار و متناسب با حجم سرمایه صرف‌شده، محقق نشد. آنچه به‌عنوان پشتوانه تئوریک در توجیه و تئوریزه کردن الگوی طرح‌های مرتع‌داری قرار گرفت، بیشتر متکی به برداشت‌های کارشناسی بود. کانون و نقطه ثقل نگرش کارشناسی حاکم بر طرح‌های مرتع‌داری، مسئله مالکیت بر مراتع بود که به‌عنوان اصلی‌ترین عامل، بر تحلیلی از تاریخچه مالکیت بر مراتع استوار بود (فیاض و همکاران، ۱۳۹۳). کلیشه‌ای بودن طرح‌ها، وجود اشکالات اساسی در بعد فنی، اجرا، نظام مدیریت، نظارت و بازنگری، نگاه تک‌بعدی به مرتع (تولید علفه) و نبود تفکر سیستمی در آنها، سبب شد تا نتایج حاصل از اجرای آنها، چندان رضایت‌بخش نباشد. در مجموع، بعد از ملی شدن مراتع، نوعی آنومی در مدیریت ایجاد شده است که هنجارهای پذیرفته‌شده (عرف) با واقعیت اجتماعی در ستیز قرار گرفته‌اند. مدیریت سنتی، از بین رفته و اگرچه دولت جای مالک، کدخدا و اقتدار کاریزماتیک و ارزش‌های سنتی را گرفته است، اما نتوانسته عقلانیت قانونی و ارزشی را به‌درستی جایگزین ارزش‌های سنتی کند. در نتیجه با نوعی بوروکراسی مخرب به تعبیر مرتن روبه‌رو شده‌ایم و نهادهای دولتی و پرسنل آنها نزد افرادی که هنوز زمینه‌های فکری و ذهنی سنتی دارند، نتوانسته نقش قانونی پیدا کند (تحریریه رشد علوم اجتماعی، ۱۳۸۲). شواهد و نتایج تحقیقات نیز حاکی از تخریب کمی و کیفی روزافزون این منابع باارزش در سایه مدیریت یادشده است (محبی، ۱۳۹۷؛ محبی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیاض، ۱۳۹۵). از سویی، فشار مضاعف بر دستگاه‌های متولی، در عمل آنها را به انفعال کامل کشانده است (جلیلی، ۱۳۹۹).

درمورد سناریوی واگذاری مراتع به بهره‌برداران نیز باید اضافه کرد، به دلیل ملی شدن اراضی و ازهم‌گسیختگی ساختارهای مدیریت قبلی و جولان نزدیک به شش دهه مدیریت جدید دولتی در قالب دانش نوین مرتع‌داری، راه برای بازگشت به سیستم‌های گذشته، ناممکن شده ساخته است. واگذاری مراتع به بهره‌برداران نیز، می‌تواند زمینه تغییر کاربری، در نتیجه منافع ملی حاصل از این منابع عظیم را از بین ببرد. نمونه بارز آن، تغییر کاربری‌های غیرقانونی مستثنیات و ایجاد باغ‌ویلاهای اطراف شهرهای بزرگ و ... است که به دلیل نبود نظارت یا نظارت ضعیف با هدف سوءاستفاده‌های شخصی انجام می‌شود. بنابراین، پیشنهاد انجام هر گونه اقدامی درمورد اجرایی کردن این سناریو در شرایط کنونی، منطقی به نظر نمی‌رسد. زمینه‌های قانونی لازم نیز در این خصوص پیش‌بینی نشده است. در نتیجه، استفاده از پتانسیل‌های قانونی خارج از تشکیلات سازمان متولی

گزارش کردند، تمرکززدایی در تحلیل مدیریت مشارکتی بسیار مهم است. نبود سیاست تمرکززدایی مانعی برای اجرای مدیریت مشارکتی است. (Vermeulin 1997) از مدرن و فانتزی بودن قوانین و تنظیم نکردن قوانین منابع طبیعی مطابق با سنت‌ها و فرهنگ مردمان محلی، به‌عنوان دلیل شکست پروژه‌های مشارکتی یاد می‌کند. Ostrom (2007) اعتقاد دارد، برای مشکلات پیچیده راهکار واحد و مؤثری وجود ندارد. مسئله مهم، تعیین نحوه ساماندهی پروژه مشارکتی و ارتباط بین دولت مرکزی و جوامع محلی است. با در نظر گرفتن موارد یادشده در بالا، اشکال مختلف سناریوی مدیریت مشارکتی تحت مقوله‌های «دولت ناظر، تک‌تک بهره‌برداران حافظ» و «دولت ناظر، نمایندگان بهره‌برداران حافظ مراتع» همچنین استفاده از ظرفیت‌های نظارتی «آحاد جامعه» مطرح هستند. شکل اخیر، خود به دو شیوه حفاظت از طریق قرق‌بانان مردمی و حفاظت از طریق نمایندگان و تشکل‌های قانونی بررسی می‌شود (محبی، ۱۳۹۹). در ادامه، مدل طراحی‌شده برای حفاظت فیزیکی از عرصه‌های ملی ارائه خواهد شد. شالوده این مدل را اصول شش‌گانه به شرح جدول ۱ تشکیل می‌دهد.

### چهارچوب مدل پیشنهادی مدیریت مشارکتی برای حفاظت فیزیکی از مراتع

هدف از طراحی مدل، استفاده از پتانسیل‌های قانونی خارج از سازمان متولی، در امر حفاظت فیزیکی از مراتع است. به‌عبارتی این مدل نافی وظایف سازمان یادشده نبوده است و طراحی آن ناظر بر پدیده «دولت ناظر، مردم حافظ» است (محبی، ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۹). بنابراین، چهارچوب آن را مقولات زیر به خود اختصاص دادند (شکل ۱):

- ۱- دولت ناظر و تک‌تک بهره‌برداران حافظ
- ۲- دولت ناظر، نمایندگان بهره‌برداران (شامل قرق‌بانان مردمی، نمایندگان و تشکل‌های قانونی بهره‌برداران) حافظ
- ۳- آحاد جامعه

در حفاظت فیزیکی از عرصه‌های ملی و مرتعی و مدیریت تخلقات برون‌گروهی (تخلقات ناشی از افراد غیربومی)، می‌تواند تا حدود زیادی گره‌گشا باشد. بدیهی است مدیریت تخلقات درون‌گروهی (تخلقات بهره‌برداران)، کماکان با دولت خواهد بود (محبی و همکاران، ۱۳۹۷)، (شکل ۱). بر همین اساس و با ذکر بیان مسئله یادشده، در این نوشتار، چهارچوب مدیریت مشارکتی برای حفاظت فیزیکی از مراتع، مطرح و بررسی شده است. در این ارتباط، نخست، اصول مدیریت مشارکتی برای حفاظت فیزیکی از مراتع، مطرح و سپس، چهارچوب پیشنهادی مدل مفهومی مدیریت مشارکتی، ارائه شده است و در پایان، وظایف هر یک از بخش‌های دخیل در حفاظت فیزیکی مراتع، تشریح شده است.

### اصول مدیریت مشارکتی برای حفاظت فیزیکی از مراتع

در سناریوی مدیریت مشارکتی، همکاری دولت و بهره‌برداران عرفی به اشکال مختلف مطرح است. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. بهزاد (۱۳۹۱) بر این باور است که مناسب‌ترین راه مدیریت مراتع، استفاده از قرق‌بانان انتخاب‌شده توسط خود عشایر است. محبی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی کیفی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا، با استفاده از تکنیک نظریه بنیانی، تئوری «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین» را بسط دادند. Hutton و همکاران (2005)، Jones و Murphree (2004) و Feeny و همکاران (1996) اذعان کرده‌اند، شاید جوامع محلی نیز همانند دولت در مدیریت بهینه منابع طبیعی موفق نباشند. Child و Clayton (2004) و Murphree (2004)



شکل ۱- تصاویری از کنترل بوته‌کنی و قاچاق گیاهان دارویی (موسیر، تره کوهی و...) با همکاری نمایندگان منتخب عشایر و نیروهای حفاظتی منابع طبیعی در مراتع دشت لاله واژگون شهرستان کوهرنگ (۱۳۹۶/۵/۲۷)



۱- دولت ناظر، تک تک بهره برداران حافظ  
این مقوله ناظر بر بند ۳۸ و تبصره ذیل آن و بند ۳۹ فصل دوم، همچنین بندهای ۹ و ۱۰ فصل سوم (تعهدات، وظایف و تکالیف مرتع داران) اصلاحیه شیوه نامه فنی و اجرایی بهره برداری از مراتع کشور به شماره ۹۹/۱/۱۳۲۶۱ به تاریخ ۹۹/۵/۱۱ است. در بند ۳۸ عنوان شده است، «در مورد مراتعی که پروانه چرای دام صادر شده است، اداره کل باید به طور کتبی به مرتع داران ابلاغ کند تا محدوده مراتع دارای پروانه چرای دام خود را با راهنمایی کارشناسان اداره کل، یا شهرستان علامت گذاری کنند و مسئولیت حفاظت از آن را به عهده گیرند و در صورت مشاهده هر گونه تجاوز

جدول ۱- اصول شش گانه مدل حفاظت فیزیکی از عرصه های مرتعی

اصول مدیریتی	هدف/اهداف	مرجع
اصل اول مدیریت دولتی	مدیریت پایدار عرصه های ملی	مواد ۲ و ۳ قانون ملی شدن
اصل دوم دولت ناظر، بهره برداران حافظ	هدف، کنترل عوامل بیرونی تخریب توسط خود بهره برداران است	موضوع بند ۳۸ و تبصره ذیل آن و بند ۳۹ فصل دوم، همچنین بندهای ۹ و ۱۰ فصل سوم اصلاحیه شیوه نامه فنی و اجرایی بهره برداری از مراتع کشور، شماره ۹۹/۱/۱۳۲۶۱ به تاریخ ۹۹/۵/۱۱
اصل سوم مشارکت عمومی	مدیریت مشارکتی	<p>- علاوه بر بند های قانونی مرتبط با اصل دوم، مواد ۶۸، ۶۸ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) و ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ مجلس شورای اسلامی</p> <p>- سیاست های کلان نظام ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش منابع طبیعی</p> <p>- سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴</p> <p>- سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی</p> <p>- اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اجرای اصل ۴۴</p> <p>- قانون برنامه پنجم توسعه (مواد ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸ و تبصره ۲ ماده ۱۹۶ و بند ج ماده ۲۱۶)</p> <p>- قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (مواد ۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹-۱۲-۱۴-۱۵-۱۷)</p> <p>- ماده ۳ قانون اصلاحی قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، همچنین دستورالعمل توانمندسازی و توسعه مشارکت مردمی در مدیریت پایدار منابع طبیعی</p>
اصل چهارم مدیریت پایین به بالا	پرهیز از تجارب ناموفق شیوه مدیریت مهندسی بالا به پایین	بندها و مواد قانونی اصول دوم و سوم
اصل پنجم آزمون مدل	اجرای مدل در مناطق پایلوت	-
اصل ششم تعمیم الگو یا الگوهای موفق	تعمیم الگوی موفق در سایر مناطق	-

و تخلف، استفاده یا بهره‌برداری غیرمجاز از مرتع، نسبت به پیگیری آن از طریق محاکم قضایی یا نیروی انتظامی محل، یا اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان همراه با اطلاع‌رسانی اقدام کنند.»

در تبصره زیر آن نیز اشاره شده است «دارنده پروانه چرای دام موظف است، ضمن جلوگیری از تخریب، تصرف و بهره‌برداری غیرمجاز مرتع، ضمن اطلاع به اداره کل از طریق مراجع قضایی نسبت به متصرفین اقامه دعوی کند، اداره کل، حمایت و همکاری لازم را معمول خواهد داشت. در ضمن مفاد این بند نافی مسئولیت قانونی و حقوقی اداره کل در این خصوص نخواهد بود.» در بند ۳۹ نیز اشاره شده است «در صورت بروز حریق در مرتع، مرتع‌دار یا مرتع‌داران آن مرتع، مکلف به اطلاع‌رسانی و شرکت در اطفای حریق هستند و در صورت مشارکت نکردن بدون دلیل موجه، اداره کل مجاز است نسبت به ابطال پروانه چرای دام آنان اقدام کند.» همچنین در بند ۹ فصل سوم «اطلاع‌رسانی و مشارکت در اطفای حریق مرتع» از تعهدات، وظایف و تکالیف مرتع‌داران بر شمرده شده است و در بند ۱۰ نیز عنوان شده است، «مرتع‌داران در طول دوره بهره‌برداری مکلفند نسبت به حفظ و نگهداری عرصه و اعیانی موضوع پروانه از جمله جلوگیری از تخریب، تصرف، اعلام به موقع آفات و بیماری‌ها، حریق و غیره اقدام و در صورت وقوع هرگونه تخلف از سوی اشخاص ثالث، به‌عنوان نماینده اداره کل نسبت به پیگیری قضایی و اعلام مراتب به اداره کل اقدام کنند، در صورت اعلام نکردن مراتب در اولین فرصت و نیز مراجعه نکردن به مراجع قضایی برابر مقررات با وی برخورد می‌شود.»

فرض بر این است که زمینه‌سازی اعمال بندهای یادشده تا حدود زیادی می‌تواند در حفاظت از تهدیدهای بیرونی عرصه‌های مرتعی مؤثر باشد، ولی کماکان در مقابل تخلفات درون‌گروهی و تبانی‌های دامداری توان اجرایی لازم را ندارد.

## ۲- دولت ناظر، نمایندگان بهره‌برداری حافظ

نتایج تحقیقات محبی (۱۳۹۹) نشان داد، ۷۰ درصد از عشایر منتخب استان‌های تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و اردبیل معتقدند، راهبرد «اجرای دقیق و جدی قوانین»، به شرط وجود امکانات، قادر است تا حدود زیادی مشکل دام‌مازاد و غیرمجاز مراتع را حل کند. در غیراین صورت، کمک گرفتن از خود ذی‌حقان مراتع در کنترل دامداران غیرمجاز غریبه و اعمال حمایت‌های قانونی از آنان و نظارت بر عدم ورود دام غیرمجاز خودی از طریق دولت پیشنهاد می‌شود، پیشنهادی که شکل اجرایی آن بر اصل مدیریت مشارکتی بنا نهاده شده است. مقوله‌ای که در این رابطه حاصل شد، مقوله «دولت ناظر، نمایندگان بهره‌برداری حافظ» بود که خود این شیوه از مدیریت، به دو شکل حفاظت از طریق قرق‌بانان منتخب مردم و حفاظت از طریق نمایندگان و تشکل‌های قانونی بهره‌برداری ارائه می‌شود:

## ۱-۲- حفاظت از طریق قرق‌بانان مردمی

از آنجایی که در سناریوی مدیریت دولتی کمبود نیروی انسانی به‌عنوان یکی از مشکلات حفاظت از منابع طبیعی همواره مطرح بوده است و

دولت در جذب نیروهای حفاظتی براساس استانداردهای تعریف شده (در استانداردهای جهانی برای هر ۲ هزار هکتار جنگل و پنج هزار هکتار مرتع، یک قرق‌بان در نظر گرفته می‌شود) با مشکل مواجه است (محمدی مقدم، ۱۳۹۶)، از سویی ۸۶ درصد از عشایر مناطق اشاره‌شده در بند قبلی (محبی و همکاران، ۱۳۹۷) نیز، آمادگی خود را برای گماردن قرق‌بانان محلی ابراز داشتند، به نظر می‌رسد، واگذاری این امر به خود بهره‌برداران عرصه‌های ملی، می‌تواند باری از دوش دولت بردارد. بدیهی است، تعریف سازوکارها و در نظر گرفتن مواردی تشویقی و تنبیهی، پیش‌شرط اجرای این سناریو است.

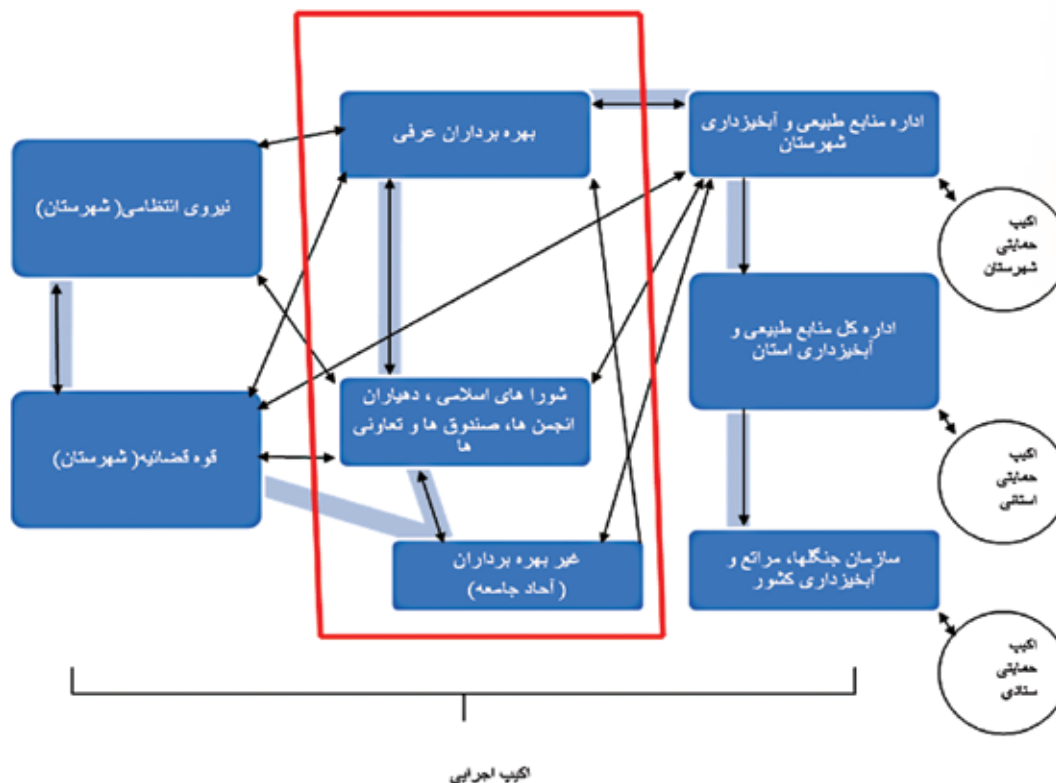
۲-۲- حفاظت از طریق نمایندگان و تشکل‌های قانونی بهره‌برداری این سناریوی پیشنهادی، شامل حفاظت از طریق نمایندگان و تشکل‌های قانونی مردم است. این مدل برای شرایط تشکیلاتی و قانونی موجود طراحی شده است. خوشبختانه در این خصوص پشتوانه‌های قانونی نیز وجود دارد. از جمله این قوانین می‌توان به مواد ۶۸، ۶۸ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) و ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ مجلس شورای اسلامی (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲) اشاره کرد که در آنها وظایف و اختیارات شورای اسلامی و دهیاران آورده شده است. در بند ۸ (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) ماده ۶۸ (وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا)، نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط‌زیست روستا و بهره‌برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ عمران، مزارع، باغ‌ها، مراتع، جنگل‌ها، محدوده‌های محیط‌زیستی، احیا و لای‌روبی قنوات و نه‌های متروکه و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش به عهده شورای روستا گذاشته شده است، همچنین در ماده ۶۸ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) عنوان شده است «هر تیره از عشایر کوچ‌روی کشور، با حداقل بیست خانوار در حکم روستا (ده) بوده و شورای عشایری با وظایف و اختیارات شورای روستا در آن تیره تشکیل می‌شود. شورای عشایری یادشده در زمان تشکیل شورای بخش محل استقرار خود همانند شورای روستا مشارکت خواهد داشت. همکاری در امور مربوط به دام، مرتع و کوچ، جزو وظایف شورای عشایری خواهد بود.» از سویی، بند ۸ ماده ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) مربوط به وظایف دهیار به‌طور صریح، به همکاری آنان با مسئولین ذی‌ربط برای حفظ، نگهداری و بهره‌برداری منابع طبیعی و میراث فرهنگی واقع در روستا اشاره می‌کند.

مدل پیشنهادی واگذاری امور حفاظتی مراتع حریم روستا و عشایری به نمایندگان و تشکل‌های قانونی بهره‌برداری در شکل ۲ آورده شده است.

این مدل از پایین به بالا طراحی شده و اجرای آن نیازمند تشکیل کمیته‌ها و اکیپ‌های اجرایی و حمایتی در سطوح شهرستانی، استانی و ستادی با هماهنگی و همکاری بین افراد، ارگان‌ها، نهادها، تشکل‌ها و نمایندگان به شرح زیر است:

الف- اکیپ اجرایی:





شکل ۲- مدل پیشنهادی حفاظت از مراتع و عرصه های ملی (مستطیل قرمز رنگ نشانگر پتانسیل های قانونی حفاظتی خارج از سازمان متولی است)

- ۱- سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور (به عنوان متولی با حضور نمایندگان اداره های مرتبط شامل اداره های حفاظت، حقوقی، ترویج و دفتر امور مراتع و... در سطوح استانی و شهرستانی)
- ۲- قوه قضائیه
- ۳- نیروی انتظامی
- ۴- بهره برداران عرفی
- ۵- نمایندگان قانونی بهره برداری (دهیاران، شوراهای اسلامی روستایی و عشایری، قرق بانان محلی، انجمن ها، صندوق ها و تعاونی ها)
- ۶- غیر بهره برداران (آحاد جامعه) شامل ارگان های دولتی عشایری، روستایی، محیط زیستی، همچنین سمن ها (NGO) و فعالان محیط زیستی و...
- ۷- سایر اداره ها به تناسب نیاز عرصه ها

### تشریح مدل

همانطوری که اشاره گردید طراحی مدل براساس مقوله «دولت ناظر و نمایندگان و تشکل های قانونی بهره برداری حافظ» انجام شده است. علاوه بر آن با فرهنگ سازی، کل آحاد جامعه را در قبال حفاظت از مراتع و سایر عرصه های ملی، حساس و مسئول پیش بینی کرده است. ارتباط بیشتر جعبه های مدل با یکدیگر دو طرفه است، بدین معنی که ضرورت دارد در قبال هر گزارشی، پاسخ آن به گزارش دهنده به صورت رسمی منعکس شود. هسته اصلی مدل، مردم (نمایندگان و تشکل های قانونی بهره برداری و غیر بهره برداری) هستند، یعنی امر حفاظت از عرصه ها به شکل قانونی به عهده مردم است و ارگان های دولتی مرتبط، نظارت و اعمال قانون می کنند. ضمن اینکه زمینه سازی برای ارتباطات مردمی (شماره تلفن، شبکه های مجازی و...) که برای گزارش دهی تخلفات از سوی مردم، ۲۴ ساعته در دسترس همگان باشد، از رسالت های سازمان متولی خواهد بود. مشارکت مردم، نافی وظایف سازمان متولی نیست. وظایف هر یک از اعضای اکپ های اجرایی و حمایتی به شرح زیر خواهد بود:

در این مدل اکپ اجرایی که امور میدانی حفاظت از عرصه های ملی و مراتع را به عهده دارند، عبارتند از:

- ۱- سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور (به عنوان متولی با حضور نمایندگان اداره های مرتبط شامل اداره های حفاظت، حقوقی، ترویج و دفتر امور مراتع و... در سطوح استانی و شهرستانی)
- ۲- قوه قضائیه
- ۳- نیروی انتظامی
- ۴- بهره برداران عرفی
- ۵- نمایندگان قانونی بهره برداری (دهیاران، شوراهای اسلامی روستایی و عشایری، قرق بانان محلی، انجمن ها، صندوق ها و تعاونی ها)
- ۶- غیر بهره برداران (آحاد جامعه) شامل ارگان های دولتی عشایری، روستایی، محیط زیستی، همچنین سمن ها (NGO) و فعالان محیط زیستی و...

### ب- اکپ حمایتی

مسئولیت حمایت های قانونی، ترویجی و تبلیغاتی، اطلاع رسانی، بهداشت و سلامت، حمل و نقل و ترابری، پشتیبانی و ... از اکپ اجرایی به تناسب اعلام نیاز از سوی متولی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) بر عهده اکپ حمایتی خواهد بود. سازوکارها طی نشست های کارشناسی، مشخص و زمینه های قانونی شدن آنها فراهم خواهد شد. اعضای این اکپ عبارت خواهند بود از:

- ۱- اداره های مرتبط وزارت جهاد کشاورزی (دامپزشکی، امور عشایر، تعاونی های روستایی، شرکت پشتیبانی امور دام و...)

## الف- وظایف اکیپ اجرایی:

مدل، به دهیاران اختیار داده خواهد شد، هر گونه تخلف دریافتی را از بهره‌برداران یا غیربهره‌برداران، به یکی از مراجع نیروی انتظامی، قوه قضائیه، یا منابع طبیعی گزارش و نتیجه اقدامات را در زمان تعیین شده به اطلاع گزارش‌دهندگان و منابع طبیعی برساند تا در آمار عملکرد این اداره اخیر درج شود. مسئولیت هر گونه کوتاهی در این مورد به‌طور مستقیم، متوجه شوراها و دهیاران خواهد بود تا طبق قوانین مربوطه با آنان برخورد شود.

الف-۴- وظایف غیر بهره‌برداران (آحاد جامعه اعم از سمن‌ها، فعالان محیط‌زیستی و ...)

سایر افراد جامعه نیز با دارا بودن حقوق قانونی (اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی) بهره‌برداری از کالاهای غیربازاری و عمومی (Public Goods) عرصه‌های ملی نه تنها مجاز، بلکه مسئولیت شرعی دارند تا گزارش‌های تخلف را به یکی از اداره‌های منابع طبیعی، نمایندگان بهره‌برداری یا خود بهره‌بردار به‌صورت کتبی یا غیرکتبی اعلام کنند. مسئولیت پیگیری و اعلام نتیجه به گزارش‌دهنده و منابع طبیعی در طول مدت زمان تعیین‌شده، بر عهده مرجع دریافت‌کننده گزارش خواهد بود. هر گونه کوتاهی در این خصوص، پیگرد قانونی برای دریافت‌کننده گزارش خواهد داشت.

الف-۵- وظایف قوه قضائیه

در این مدل، دو وظیفه عمده ایجاد دادگاه‌های ویژه تخلفات منابع طبیعی و تعیین مدت زمان لازم برای بررسی و اعلام نتیجه برای انواع گزارش‌های تخلف، به عهده قوه قضائیه است. قوه قضائیه موظف است، نتیجه هر گونه گزارش واصله را به مرجع گزارش و منابع طبیعی ارسال کند. مسئولیت قانونی هر گونه کوتاهی در این خصوص، متوجه قاضی یا قضات رسیدگی‌کننده خواهد بود.

الف-۶- وظایف نیروی انتظامی

در این مدل، نیروی انتظامی موظف است رسالت خود را در قبال گزارش‌های تخلف واصله از سوی منابع طبیعی، بهره‌برداران، یا نمایندگان بهره‌برداری وفق مقررات موجود انجام دهد و یک نسخه از نتایج اقدامات خود را به مرجع شاکی و منابع طبیعی ارائه کند. عواقب قانونی هر گونه قصور در این خصوص، متوجه مأمور بررسی‌کننده نیروی انتظامی خواهد بود.

الف-۷- وظایف اداره‌های کل منابع طبیعی استان‌ها

وظیفه تشکیل اکیپ اجرایی و حمایتی استانی و نظارت بر عملکرد اکیپ اجرایی شهرستانی و اعلام گزارش به مراجع ستادی بر عهده اداره‌های کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان‌ها خواهد بود.

الف-۸- وظایف سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور  
سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور مکلف است، علاوه بر تشکیل دبیرخانه اکیپ‌های اجرایی و حمایتی و تأمین سایر

الف-۱- وظایف اداره‌های منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان‌ها  
در این مدل، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور موظف است، سازوکارهای لازم را برای فعالیت اکیپ اجرایی در سطوح استانی و شهرستانی فراهم کند. از جمله این ملزومات، می‌توان به تعریف چارت جدید تشکیلاتی، ایجاد دبیرخانه، بانک اطلاعات، تعیین کارشناس ثابت، ایجاد کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی متنوع با مردم (کانال‌های رادیویی، تلویزیونی، تلگرام، واتس‌آپ، خطوط مخابراتی و...) اشاره کرد. اداره‌های شهرستانی نیز موظفند ضمن تشکیل اکیپ‌های اجرایی و حمایتی در سطح شهرستان و پیگیری جدی وظایف قبلی، گزارش‌های دریافتی را از بهره‌برداران، نمایندگان بهره‌برداری و غیربهره‌برداران، در مدت زمان تعیین‌شده با جدیت تا حصول نتیجه و اعلام به مرجع گزارش‌دهنده پیگیری و یک نسخه از آن را برای گزارش عملکرد به مراجع ذی‌ربط (ستاد استانی و ملی، اکیپ حمایتی و...) در بانک اطلاعات خود بایگانی کنند.

الف-۲- وظایف بهره‌برداران عرفی

بهره‌برداران عرفی و دارندگان پروانه چرا براساس بند ۳۸ و تبصره ذیل آن و بند ۳۹ فصل دوم اصلاحیه شیوه‌نامه فنی و اجرایی بهره‌برداری از مراتع کشور به شماره ۹۹/۱/۱۳۲۶۱ به تاریخ ۹۹/۵/۱۱، مسئول حفاظت از عرصه تحت اختیار خود هستند. در صورت مشاهده هر گونه تجاوز و تخلف، استفاده یا بهره‌برداری غیرمجاز از مرتع، نسبت به پیگیری آن از طریق محاکم قضایی یا نیروی انتظامی محل، یا اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان همراه با اطلاع‌رسانی اقدام کند و چنانچه در این امر بدون دلیل موجه کوتاهی کند، اداره کل مجاز است نسبت به ابطال پروانه چرای دام آنان اقدام کند. همچنین، در بند ۹ فصل سوم «اطلاع‌رسانی و مشارکت در اطفای حریق مرتع» از تعهدات، وظایف و تکالیف مرتع‌داران بر شمرده شده است، در بند ۱۰ نیز جلوگیری از تخریب، تصرف، اعلام به‌موقع آفات و بیماری‌ها، حریق و غیره از وظایف آنان محسوب شده است. مراجعی، که گزارش بهره‌بردار را دریافت می‌کنند، موظفند طی زمانی که به تصویب اعضای اکیپ خواهد رسید، اداره منابع طبیعی و بهره‌بردار را از نتیجه اقدامات مطلع کنند، در غیر این صورت پاسخگو خواهند بود.

الف-۳- وظایف نمایندگان و تشکل‌های قانونی

در این مدل شوراها و روستایی و عشایری طبق مواد ۶۸، ۶۸ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) و ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ مجلس شورای اسلامی (بی‌نام، ۱۳۹۸) مسئول نظارت بر حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک مراتع روستایی و عشایری هستند. از سویی، بند ۸ ماده ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶)، این مسئولیت را به دهیاران واگذار کرده است. سازمان متولی، می‌تواند بر حسب نیاز، سایر تشکل‌های حقوقی را نیز به رسمیت بشناسد. طبق

سازوکارهای لازم، نسبت به اصلاح تشکیلات مدیریت مراتع کشور مطابق با مدل پیش‌بینی‌شده، همچنین اعلام گزارش‌ها به مراجع ذی‌ربط و اکیپ حمایتی ستادی در مدت زمان‌های تعیین‌شده، اقدام لازم را انجام دهد.

#### ب- وظایف اکیپ حمایتی

اکیپ حمایتی نیز در سه سطح شهرستانی، استانی و ستادی پیش‌بینی شده است و اعضای آن شامل سایر اداره‌ها و ارگان‌های مرتبط با امور منابع طبیعی از قبیل اداره‌های مرتبط وزارت جهاد کشاورزی (دامپزشکی، امور عشایر، تعاونی‌های روستایی، شرکت پشتیبانی امور دام و ...)، وزارت کشور، نماینده کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، صداوسیما، هواشناسی، معاونت راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای و سایر اداره‌ها به تناسب نیاز عرصه‌های ملی خواهد بود. وظیفه اعضای این اکیپ، رفع موانع احتمالی و انجام حمایت‌های قانونی، ترویجی و تبلیغاتی، اطلاع‌رسانی، بهداشت و سلامت، حمل‌ونقل و ترابری، پشتیبانی و ... از اکیپ اجرایی است. چارت تشکیلاتی اکیپ‌های یادشده در بالا شکل قانونی به خود خواهد گرفت.

#### منابع

- بهباد، ت.، ۱۳۹۱. مدیریت چرا و چگونگی کوچ با نگرش جلوگیری از چرای زود هنگام. دفتر امور مراتع، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، تهران، ۹۷ صفحه.
- تحریریه رشد علوم اجتماعی، ۱۳۸۲. یادنامه، به یاد مرتن، پدر جامعه‌شناسی. تحریریه رشد علوم اجتماعی، ۲۲: ۵۸-۵۹.
- جلیلی، ع.، ۱۳۹۸. مرتع، عنوان ناقص بر مجموعه‌ای از اکوسیستم‌ها. طبیعت ایران، ۳: (۶)۶.
- جلیلی، ع.، ۱۳۹۹. چالش‌های محیط‌های طبیعی ایران و راهبردهای توسعه‌ای. سلسله نشست‌های راهبردی گفت‌وگو با طبیعت ایران، ۵ بهمن. دسترسی در صفحه نخست اخبار سایت مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور.
- دفتر امور مراتع، ۱۳۹۵. شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، تهران، ۱۸ صفحه.
- دفتر امور مراتع، ۱۳۹۹. اصلاحیه شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، تهران، ۳۸ صفحه.
- عصاره، م. ح. و سیداخلاقی، س. ج.، ۱۳۸۸. سند راهبردی تحقیقات منابع طبیعی ایران، مبانی، راهبردها و راهکارها. مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، تهران، ۳۷۹ صفحه.
- فیاض، م.، ۱۳۹۵. مشکل دام‌مازاد در مراتع کشور، مفهوم و ریشه‌های آن. طبیعت ایران، (۱)۱: ۱۰-۶.
- فیاض، م.، ۱۳۹۹ الف. راهبرد مدیریت پایدار مراتع در قلمروی مراتع مورد بهره‌برداری روستائیان. طبیعت ایران، (۶)۵: ۱۹-۹.
- فیاض، م.، ۱۳۹۹ ب. عشایر و مراتع: چالش‌ها و راه‌حل‌ها. طبیعت ایران، (۱)۵: ۷-۱۱.
- فیاض، م.، صفری، ه.، یگانه، ح.، رحمان، غ.، توکلی، ح.، اکبرزاده، م.، قیطوری، م. و احمدی، ا.، ۱۳۹۳. بررسی برخی متغیرهای مدیریتی در تغییر وضعیت مراتع در طرح‌های مرتعداری (استان‌های خراسان رضوی، کرمان، کرمانشاه، مازندران و آذربایجان غربی). تحقیقات مرتع و بیابان ایران، (۴)۲۱: ۷۴۶-۷۳۱.

مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲. قانون اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵. دسترسی در صفحه نخست سایت شورای اسلامی شهر تهران، ۱ صفحه.

محمدی مقدم، ع.، ۱۳۹۶. کمبود قربان برای حفاظت از عرصه‌های طبیعی چهارمحال و بختیاری. گفت‌وگوی درج شده در سایت خبرگزاری ایرنا. کد خبر ۸۲۶۲۳۴۶۱، ۱ صفحه.

محبی، ع.، فیاض، م.، خادمی، م. و سیداخلاقی، س. ج.، ۱۳۹۷. بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکل‌های عشایری (مطالعه موردی استان‌های اردبیل، تهران، خوزستان و چهارمحال و بختیاری). گزارش نهایی طرح پژوهشی، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، تهران، ۴۵۰ صفحه.

محبی، ع.، ۱۳۹۷. کارایی دستورالعمل ممیزی مرتع در کاهش دام‌مازاد. طبیعت ایران، (۵)۳: ۷-۶.

محبی، ع.، ۱۳۹۹. ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا (مطالعه موردی: عشایر منتخب استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، تهران و اردبیل). گزارش نهایی طرح پژوهشی، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، تهران، ۱۰۲۵ صفحه.

معمدی، ج.، جلیلی، ع.، فیاض، م.، خدقلی، م.، ارزانی، ح.، سفیدکن، ف. و فرح‌پور، م.، ۱۴۰۰. سیر تکامل تحقیقات مرتع در ایران و نگرش مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور به آینده تحقیقات مرتع. طبیعت ایران، (۴)۶: ۲۱-۷.

- Child, B. and Dalal-Clayton, B., 2004. Transforming approaches to CBNRM: Learning from the Luangwa experience in Zambia, in McShane, T.O., Wells, M.P. (Eds), Getting Biodiversity Projects to Work: Toward more Effective Conservation and Development, New York: Columbia University Press, 464 pages.
- Feeny, D., Berkes, F., McCay, B.J. and Acheson, J.M., 1996. The tragedy of the Commons: Twenty years later, Human Ecology, 18(1): 1-19.
- Hutton, J., Adams, W.M. and Murombedzi, J.C., 2005. Back to the barriers? Changing narratives in biodiversity conservation. Forum for Development Studies, 2: 341-70.
- Jones, B.T.B. and Murphree, M.W., 2004. Community-based natural resource management as a conservation mechanism: Lessons and directions, in Child, B. (Ed.) Parks in Transition: Biodiversity, Rural Development, and the Bottom Line, London: Earthscan, 286 Pages.
- Murphree, M.W., 2004. Communal approaches to natural resource management in Africa: From whence and to where?. Journal of International Wildlife Law and Policy, 7: 203-16
- Nelson, F. and Agrawal, A., 2008. Patronage or Participation? Community-based Natural Resource Management Reform in Sub-Saharan Africa. Development and Change, 39(4): 557-85.
- Ostrom, E., 2007. A diagnostic approach for going beyond panaceas. Proceedings of the National Academy of Sciences 104(39): 15181-187.
- UN., 1982. General Assembly World Charter for Nature: 48th Plenary meeting. United Nations. 13 September 2011. Retrieved 2016-12-12. 3 Pages.
- Vermeulin, C. 1997. Problématique de la décentralisation des forêts communautaires en forêt dense humide, Sud Est Cameroun, The African Rainforest and the Conservation of Biodiversity Workshop, Limbé, January 17-24